با بازخوانی بخش‌هایی از مشروح مذاکرات جلسه خبرگان قانون اساسی به سراغ واکاوی دیدگاه‌های شهید بهشتی در استقلال، عدالت، آزادی و... رفته‌ایم

حقیقت بهشتی

علی مزروعی
خبرنگار گروه سیاست

مجلس خبرگان قانون اساسی اولین مجلسی بود که پس از انقلاب با رای مستقیم مردم تشکیل شد، تا در آن منتخبان مردم قانون اساسی حکومت تازه‌تاسیس جمهوری اسلامی را تدوین کنند. این مجلس حاصل یکی از رقابتی‌ترین انتخابات‌های پس از انقلاب بود که در جریان آن از حزب توده تا حزب جمهوری اسلامی کاندیداهای خودشان را معرفی کرده بودند، درنتیجه این انتخابات رقابتی نیز ما شاهد تشکیل متکثرترین مجلس تاریخ پس از انقلاب بودیم، به نحوی که در ترکیب ۷۲ نفره مجلس از فقهای برجسته پیرو خط امام مانند آیت‌الله منتظری و شهید بهشتی تا چهره‌های ملی مذهبی و بعضا مخالف با جمهوری اسلامی مثل رحمت‌الله مقدم‌مراغه‌ای حضور داشتند. در این مجلس متکثر شهید بهشتی برجسته‌ترین شخصیت بود، او به‌دلیل جایگاه والایی که در میان مبارزان داشت در بسیاری از موارد به‌جای آیت‌الله منتظری (رئیس مجلس) و با نظر ایشان جلسات مجلس را اداره می‌کرد. در جریان اداره جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز توانایی بالای شهید بهشتی در سخنوری و مدیریت تشکیلاتی باعث شد با وجود تضارب آرای بالای نمایندگان در رابطه با بخش‌های مختلف قانون، اصول حیات‌بخشی چون ولایت‌فقیه به تصویب خبرگان منتخب ملت برسد. در تصویب این اصول حیات‌بخش علاوه‌بر توان بالای مدیریتی شهید بهشتی، استدلال‌های فقهی ایشان نیز موثر بود، به نحوی که در مواردی چون بررسی اصل ۲ و اصل ۵ قانون اساسی در میان تمامی فقهای حاضر در مجلس، این استدلال‌های فقهی شهید بهشتی بود که باعث می‌شد مخالفان اندیشه اسلام اجتماعی اقناع شوند. اوج هنر شهید بهشتی در اقناع افکار متکثر مخاطبان حاضر در مجلس خبرگان قانون اساسی در دفاعیه وی از اصل پنجم قانون اساسی نمود پیدا می‌کند. درحالی‌که هنوز چند جلسه بیشتر از مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل نشده بود در جلسه بررسی اصل ۵ قانون اساسی مقدم‌مراغه‌ای این اصل را مخالف با آزادی مردم عنوان کرده و از درپچه همین انتقاد تا زیر سوال بردن متن قانون اساسی جلو می‌رود. سخنان مراغه‌ای باعث می‌شود که شهید بهشتی از جایگاه هیات‌رئیسه به پشت تریبون رفته و خود به عنوان موافق اصل پنج در هیبت دفاع از قانون اساسی نیز ایفای نقش کند. دفاعیه چنددقیقه‌ای شهید بهشتی در پاسخ به مراغه‌ای بیانیه‌ای حماسی و سرشار از استدلال است و می‌توان آن را مانیفست قانون اساسی در دیدگاه شهید بهشتی نام نهاد. مشی عاقلانه شهید بهشتی باعث می‌شود تا درنهایت قانون اساسی درمیان طیف کثیری از اندیشه‌های سیاسی، مذهبی و قومی به سرانجام رسیده و به نماد واقعی از دموکراسی و خواست مردم تبدیل شود. سخنان شهید بهشتی در مجلس خبرگان قانون اساسی در رابطه با مسائلی چون آزادی‌های اجتماعی، جمهوریت نظام اسلامی، عدالت اسلامی و... گنجینه ارزشمند از اندیشه سیاسی این چهره برجسته تاریخ انقلاب است که در چهل‌ویکمین سالگرد تاریخ شهادت ایشان به بازخوانی آن خواهیم پرداخت.

مانیفست قانون

اگرچه شهیدبهشتی مدیریت غالب جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی را خودش به‌عنوان نایب‌رئیس جلسه برعهده داشت اما معدود مواردی نیز پیش می‌آمد که به‌عنوان موافق برای دفاع از اصول قانون از جایگاه هیات‌رئیسه برخاسته و به پشت تریبون می‌رفت. بررسی اصل پنجم قانون اساسی که مطابق آن امامت است برعهده ولی‌فقیه گذاشته شده یکی از همین مصادیق موارد است. در جریان بررسی این اصل رحمت‌الله مقدم‌مراغه‌ای نماینده حزب جمهوری خلق مسلمان در مجلس نخبگان قانون اساسی که اساسا وجود اصل پنجم در قانون اساسی را قبول نداشت به‌عنوان مخالف صحبت کرد و با این توجیه که اسلام پشتوانه‌های مستحکم‌تری از قانون اساسی دارد، انتقاداتی را مطرح کرد که اساس پیش‌نویس تهیه‌شده را زیرسوال می‌برد. سپس شهید بهشتی به‌عنوان موافق این اصل در جایگاه حاضر شده و ضمن پاسخ به ایرادهای مراغه‌ای به تشریح تفاوت‌های جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام ایدئولوژیک با نظام‌های دموکراتیک پرداخت. دفاعیه شهید بهشتی از اصل پنجم و نیز اساس قانون اساسی آنقدر جامع و کامل بود که می‌شود از آن به‌عنوان مانیفست قانون اساسی تعبیر کرد.

اسلام، اساس قانون

مراغه‌ای که بعد از لورفتن ارتباط با لانه جاسوسی از کشور گریخت، در بخشی از انتقادهای خود می‌گوید: «اصول اسلام پشتوانه‌های مستحکمی از قانون اساسی دارد و نباید کاری کنیم که نیروی اسلام را که اکنون در اوج است امید در دل‌ها به وجود آورده به‌صورت قوانینی که ممکن است هر روز تغییر کند، درآوریم.» شهید بهشتی پاسخ این انتقاد مراغه‌ای را این‌گونه می‌دهد: «آقای مراغه‌ای، صحیح می‌گویید که اسلام هیچ‌گونه نیازی به قانون اساسی ندارد، اما به نظر شما قابل قبول است ولی آنچه ما کردیم این نبود و آنچه ما می‌کنیم این نیست، آنچه ما می‌کنیم این است که قانون اساسی یک ملت و جامعه مسلمان، قانون اساسی چنین انقلاب اسلامی، قانون اساسی یک چنین جامعه و چنین انقلابی بدان چیزی نیاز دارد که متکی به معارف اسلامی باشد، این را که دیگر نمی‌شود درباره‌اش تردید کرد، می‌شود؟ ما اگر از اول تا اینجا کوشیده‌ایم مبانی اسلامی را در قانون اساسی بیاوریم به‌لحاظ نیاز آن طرف نیست، به‌لحاظ نیاز این طرف است. آیا هیچ وجدان سالمی می‌تواند این را نفی کند یا حتی در آن تردید کند؟»

کدام مجلس خبرگان است

مراغه‌ای در ادامه اعتراض‌های خود اصل پنجم را که تا پیش از این در پیش‌نویس اولیه قانون نبود در تضاد با اصل سوم عنوان کرده و تغییر اساسی را که ملت از آن آگاه شده و آن را تایید کرده را در شأن مجلس خبرگان نمی‌داند. شهید بهشتی در پاسخ مراغه‌ای راخطاب قرار داده و می‌گوید: «گفتید که اگر ما اینجا یک اصلی را که نبوده بیاوریم یا اصلی را تغییر دهیم، دیگر مجلس خبرگان نیست، شاید مطلب عکس باشد اگر تجمع این همه خبرگان چیزی لازم را بر محتوای قانون اساسی نیفزاید و اصلاح نکند، آن وقت مجلس خبرگان نیست، چون قانون اساسی قبلی درست است که از دیدِ خبره‌ها گذشته است ولی به شما بگویم بیش از هرکس من در جریان آن هستم هیچ‌گاه در چنین مجمعی یا یک چیز مرکزی یا یک چنین فرصتی و دقتی، فرصت نبود که مورد بررسی نهایی قرار بگیرد.»

ولایت‌فقیه منطبق بر آزادی

اساسی‌ترین انتقادی که مراغه‌ای به این اصل داشت این بود که این اصل اختلاف آزادی مردم است. نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی در پاسخ به این ایراد می‌گوید: «آیا اصل پنجم می‌خواهد بیاید حکومت را دراختیار قشر و طبقه معینی قرار بدهد؟ مثلا می‌خواهد بگوید از این پس خست‌وزیر و رئیس‌جمهور و وزرا همه باید روحانی و معمم باشند؟ هرگز؛ من می‌خواهم این اصل را ببینید، کجای این اصل این معنی را می‌دهد؟... آنچه پیشنهاد شده این است در زمان غیبت حضرت ولی‌عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت است.» یعنی مرکز ثقل حکومت و رهبری «برعهده فقیه؛ شهید بهشتی در ادامه به درخواست مکارم‌شیرازی به بیان شاخصه‌های ولی‌فقیه پرداخته و شیوه انتخاب او را این‌گونه توصیف می‌کند: «این فرد چگونه این مرکز ثقل‌بودن را به دست می‌آورد و گفتیم که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند، یعنی کسی نمی‌تواند تحت‌عنوان قلبه عادل، یا تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر، مدبر خودش را بر مردم تحمیل کند، این مردم هستند که باید او را با این صفات به رهبری شناخته باشند و پذیرفته باشند و بعد نوشته‌ایم «و درصورتی که یک فرد چنین اکثریتی نداشته باشد؛ یعنی سه نفر یا چهار نفر از فقها- فقیه هستند که هم‌تراز هستند و تقریبا همه‌شان فقیه هستند، عادل هستند، باتقوا هستند، آگاه به زمان هستند، شجاع، مدیر و مدبر هستند ولی چنان برجستگی نسبت به هم ندارند که اکثریت مردم بتوانند یک نفر را انتخاب کنند، آن وقت شورایی مرکب از فقهای واجدشرایط بالا عهده‌دار آن می‌گردند.» یعنی مردم کردستان معتقد بودند تعریف این آزادی باید به قوانین و پرهیز از محرمات و پیروی از واجبات محدود شود. شهید بهشتی با تعریف شهید مدنی از کردستان می‌گوید: «راجع‌به فرد بعدی «آزادی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش»، مکتب‌ها به انسان‌ها دوگونه می‌نگرند، انسان مجبور در یک جبر و سرنوشت مادی اجتماعی، اقتصادی یا هر نوع جبر دیگر و انسان آزاد و حدود این آزادی‌ها هم در مکتب‌ها متفاوت است. ما البته اینجا نخواستیم حدودش را روشن کنیم این در شرع مقدس ما مشخص است که آزادی مطلق نیست، بلکه از نظر تکوینی آزادی است که درطول اراده خداوند قرار گرفته نه در عرض اراده خداوند ولی به‌هرحال منظور همان آزادی تکوین است، این پاسخی است به برادرمان آقای رحمانی و برخی دوستان دیگر که گفته‌اند این آزادی باید به‌محدود به قوانین و پرهیز از محرمات و پیروی از واجبات باشد نه، منظور همان آزادی در سرنوشت انسان و نقش او در خودسازی انسان است.»

رابطه آزادی و نظم

در جریان جلسه یازدهم بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی محمدجواد حجتی کرمانی نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان آزادی دادن به افراد حین جلسه را سند افتخار اعضای مجلس دانسته و با ذکر مثالی از فضای مجلس می‌گوید: «گاهی حضرات آیت‌الله منتظری مجلس را از حدودی که باید اداره بشود، خارج می‌کنند یا برادرمان آقای تهرانی وقتی که به ایشان اجازه ندادند صحبت می‌کنند، درحال راه‌رفتن و خروج از جلسه صحبت‌شان را قرار می‌دهند.» کرمانی این رفتارها را نمودی از اصالت و نامانوس انتخاب بکنی و مجدد! روی شکل و فرم آن هم بخواهی اظهار رای کنی، با مکتبی بودن شما نیست.... در جامعه اسلامی می‌گوییم پس از اینکه اعضای جامعه، مکتب اسلام را پذیرفتند، یکی از لوازم پذیرش مکتب اسلام این است که مقام است که نظم مقدس، منافاتی با اصل پنج بیان‌کننده همین است. تازه در همان جا گفتیم با این صفات والا می‌گفتیم فرد باید موردقبول و پذیرش اکثریت باشد. بنابراین ملاحظه می‌کنید اصل ۶ نه‌تنها متضاد و متباین با اصل پنج نیست بلکه بیان‌کننده دایره نشان‌گر آزادی عمومی پس از مرحله انتخاب اولش است.»

آزادی مطبوعات

در اصل ۲۴ قانون اساسی درمورد حدود آزادی نشریات و مطبوعات این‌گونه آمده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» در جریان تصویب این اصل شهید بهشتی نایب‌رئیس مجلس خود به‌عنوان نماینده موافق با این اصل سخنرانی می‌کند. این سخنرانی سندی مانداگار از نگاه شهید بهشتی به آزادی مطبوعات است. شهید بهشتی در دفاع از اصل ۲۴ و آزادی مطبوعات برخورد قهری با مطبوعات متخلف را درست نمی‌داند و می‌گوید: «حرف من این است در نشرایلی که ما هستیم اعمال قهر برای جلوگیری از نشرایلی که مبارزه فکری با اسلام می‌کنند سودمند نیست؛ برحسب تجربه عینی و بررسی‌شده‌ای که ما داریم نه‌تنها سودمند نیست بلکه جلوگیری با اعمال قهر از نشر و تهیه این نشریات، مضر به اسلام هم واقع شده است، پس عرض بنده این است که مقام است که باید با استفاده از قهر باشد که اینجا ما می‌گوییم قهر قانونی و قدرت قانونی یا نه؟ که اینجا ما می‌گوییم قهر قانونی و اعمال قهر قانونی تکنیم و بگذاریم به عهده آن نفوذی که همان رساله عملیه در مردم دارد و بسیاری از مردم متدین این کتاب‌ها را چاپ و پخش می‌کنند؛ چون به احکام الهی متعهدند. باید آن راه را دنبال کنیم زیرا آن راه مؤثرتر خواهد بود. بنابراین بنده معتقد هستم آنچه آمده باشد که عبارت است از یک کارزشی که نسبت به فرد هم می‌گوییم باید جلوش را گرفت نسبت به اسلام و شعائر اسلامی به طریق اولی، آنجا که تحریک و توطئه علیه استقلال کشور باشد باید جلوی آن را گرفت. نمی‌شود جلوی توطئه سیاسی را باز گذاشت و بعد با قدرت سرکوب مبارزان با آن مقابله کند؛ نظم را است ولی آنکه آقایان نگرانش هستید که می‌فرمایید اگر بعضی از نشریات طوری است که از نظر مذهبی افکار را بهم می‌ریزد که در اینجا بیاید با آن حکم تکلیفی که توی رساله می‌گویید و با تربیتی که می‌کنید جلوی نشر اینها را بدون اعمال قهر بگیرید، آن موثرتر است.»

آزادی ادیان

شهید بهشتی پیش از انقلاب به مدت پنج‌سال امام‌جماعت مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان بود. ایشان در سال‌های حضورشان در این کشور به‌واسطه مسئولیتی که داشتند با پیروان ادیان مختلف ابراهیمی در تعامل بودند و همین تعاملات نیز در شکل‌گیری نگاه‌شان به مساله آزادی ادیان موثر بوده است، برای بررسی اجمالی نگاه شهید بهشتی در رابطه با آزادی ادیان می‌شود به سخنان ایشان در پنجاه‌وششمین جلسه بررسی قانون اساسی مراجعه کرد. در این جلسه که به تاریخ هشتم آبان ۱۳۵۸ برگزار شده است، رستم شهرزادی، نماینده زرتشتیان نسبت به اصل ۱۳ پیش‌نویس قانون اساسی ایراداتی وارد می‌کند. در این اصل آمده بود: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در اجرای شخصیه و تعلیمات دینی طبق آیین خود عمل می‌کنند.» از نظر شهرزادی وجود قید مقررات اسلامی برای انجام مراسم دینی اقلیت‌ها خلاف آزادی است که به همین جهت وی خواستار جایگزینی این قید با عبارت «بر طبق قانون یا احترام به شئون اسلام» شد. شهرزادی در صحبت‌های خود ضمن اینکه تصریح می‌کند از نظر وی هیچ حکومتی بهتر از جمهوری اسلامی نیست، می‌گوید: «موضوع مقررات اسلامی در این است که ما هروقت بخواهیم دست‌زدن را بگیریم، خیر؛ شهید بهشتی این سوال را این‌گونه پاسخ می‌دهد: «نظر، ما، نظر گروه و نظر خیلی از دوستان این است که اسلام عزیز ما امکان رشد و تجلی‌اش بسیار فراوان است، بنابراین دونظر وجود دارد این هم چون ضمن آراء بحث می‌کنیم، مشخص می‌کنیم، یک نظر همین که عرض شد و یک نظر به خاطر تحقق و مراقبت بیشتر در حفظ عقاید و پایه‌های فکری و اعتقادی و امنیت که باید محدودیت‌هایی وجود داشته باشد و ما نباید اینجا تردید تزلزل قید بگذاریم، بلکه به‌طور کلی آن جاهایی که امنیت به خطر می‌افتد مسائل باید مجوزی داشته باشد.» این اصل شتاب‌زده را عنوان کرده و اظهار داشت: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۲

عدالت

فارغ از دریافت حد و حدود کنش عادلانه قانون اساسی در برابر مسائل مختلف مهم‌ترین اصلی که از کنکاش در مجموع نظرات شهید بهشتی در مجلس خبرگان قانون اساسی در باب عدالت می‌توان دریافت کرد جایگاه عدالت در نظام اسلامی است.

عدالت پایه نظام اسلامی است نه غایت آن

در جریان بررسی اصل ۲ قانون اساسی که به پایه‌های نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد شهید بهشتی یک‌به‌یک به تشریح این مبانی پرداخته و درمورد عدالت به‌عنوان یکی از این پایه‌ها می‌گوید: «مساله بعدی یعنی قرارِبعدی - قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی و نفی کامل هرگونه ستمگری و ستمکشی است. در اینجا نزدیک بود که این شبهه پیش بیاید که جزء هدف‌هاست، نه جزء مبانی است ولی توضیحی که می‌دهم این است که مکتب به قسط و عدل اجتماعی به‌عنوان یک پایه مهم نگاه می‌کند یعنی به‌عنوان مبنایی در کنار مبانی دیگر نگاه می‌کند و یک وقت است این مقدار را اهمیت و بها نمی‌دهد. در اینجا خواسته‌ایم در نظام جمهوری اسلامی این بعد به‌عنوان یک مبنا برای نظم نظام‌های گوناگون داده شود.»

عدالت در برابر قانون

مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. شهید بهشتی چرایی توجه به یکسان بودن در حمایت قانون را این‌گونه توجیه می‌کند: «درهمه نظام‌های قانونی افرادیک‌جامعه،یاقشرهای مختلف‌یک‌جامعه‌یاجنسیت‌های مختلف یک جامعه در برابر قوانین مدون آن جامعه موضع مساوی ندارند و ما آنها رفتار مساوی نمی‌شود یعنی قانون یکی است، اما درباره این طبقه اجرامی شود و درباره آن طبقه اجرا نمی‌شود گروه اجرا می‌شد و درباره گروه دیگر اجرا نمی‌شد. این اصل که در حقوق ملت آمده است ناظر بر این معنی است که همه در مقابل قانون مساویند ولی قانون چیست، حالا مطرح نیست. باید در آینده مطرح شود ولی هرچیزی قانون شد، اعتبار و اجرایش برای همه یکسان است.»

عدالت در برخورداری

شهید بهشتی در توضیح اصل ۱۳۲ پیش‌نویس قانون اساسی عدالت در بهره‌برداری از امکانات را این‌گونه توصیف می‌کند: «بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و مناطق و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان مناطق کشور نباید تبعیض در کار باشد به‌طوری که هر منطقه فراخور امکانات رشد خود سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد به نحوی که نابرابری فاحش اقتصادی از بین برود.» در نگاه شهید بهشتی برخورداری بیشتر از امکانات، مواهب طبیعی و خدمات جامعه مسئولیت بیشتری را نیز بر دوش برخورداران در پرداخت مالیات می‌گذارد. مطابق اصل ۱۳۲ در پیش‌نویس قانون اساسی نظام مالیاتی باید عادلانه باشد و چنان برقرار شود که هرکس از امکانات، مواهب طبیعی و خدمات جامعه بهره بیشتر برد، بار هزینه‌های عمومی بیشتری را برعهده بگیرد. در جریان بررسی این اصل منیره گرجی، به‌عنوان تنها زن تدوینگر قانون اساسی این سوال را مطرح می‌کند: «آیا هرکسی که از این مواهب استفاده می‌کند مثلا خانواده‌ای که ۶ نفرند و درآمد چندانی هم ندارند اینها هم باید مالیات بدهند؟» شهید بهشتی در پاسخ به این سوال تعبیری را مطرح می‌کند که رویکرد عادلانه قانون اساسی نسبت به اخذ مالیات را نشان می‌دهد. شهید بهشتی ضمن تاکید بر این اصل که مطابق آن هرکس از امکانات، مواهب طبیعی و خدمات جامعه بهره بیشتر برد او باید مالیات بیشتری بدهد این مثال را مطرح می‌کند: «مثلا یک مهندس که خداوند به او موهبت استعداد درس خواندن و فراگیری بیشتری داده می‌تواند در برابر کارش درآمد کافی بیشتر از یک کارگر- که استعدادهای کافی که در آن رشته باید تحصیل بکند نداشته یا یک کارگر ساده که اجرت کمی دارد- داشته باشد، دراین‌باره می‌گوییم آن کسی که بیشتر بهره‌مند می‌شود باید سهم بیشتری بدهد، ولی اگر آن کارگر واقعا در حدی است که فقط به اندازه زندگی‌اش درآمد دارد که چیزی نمی‌دهد و اگر کمتر از زندگی‌اش هم باشد یک چیزی هم می‌گیرد.»

استقلال

فارغ از مطالعات عمیق، بخش زیادی از شناخت شهید بهشتی از معادلات جهانی ناشی از تجربه زیسته‌ای بود که او به‌واسطه حضورش در خارج از ایران کسب کرده بود. شهید بهشتی با تکیه بر همین شناخت تعریفی چندبعدی از استقلال را ارائه داده و در مباحثات تدوین قانون اساسی اصول دستیابی به آن را نیز توضیح می‌دهد. توجه شهید بهشتی به وابستگی اقتصادی، سیاسی عاملی است که تعریف او از استقلال را به مفهومی فراتر از حفظ تمامیت ارضی ارتقا داده و سایر ساحت‌های آن را نیز شامل شده است.

آزادی و استقلال

در جریان بررسی اصل ۹ قانون اساسی جعفر سبحانی که تنها بروز سیاسی‌اش حضور در مجلس خبرگان قانون اساسی بوده است با طرح یک سوال ایرادی را به این اصل مطرح می‌کند: «در اینجا هم آزادی مطلق محفوظ و محترم است و هم استقلال و تمامیت ارضی به تمام معنی محترم است. تعارضی را که در این دو هست چگونه به هم‌ربط می‌دهید؟ حتی آزادی مشروع و قانونی ممکن است روزی با استقلال و تمامیت ارضی تزاحمی پیدا کند، در دو حکم مطلق درصورت تزاحم چه کار باید بکنند و کدام بر دیگری مقدم است؟» شهید بهشتی در پاسخ به این سوال حفظ واقعی استقلال کشور را از طریق حفظ عدالت و آزادی در کشور میسر دانسته و توضیح می‌دهد: «وقتی در یک جامعه و کشوری از عدل و آزادی درست پاسداری نشود، خودبه‌خود راه برای نفوذ بیگانه هموار می‌شود و برعکس آنچه می‌تواند به آزادی یک ملت معنی بدهد، استقلال آن ملت است، ملتی که از یکی از جهات مثلا از جهت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به دیگران وابسته باشد، آزادی خود را از دست داده است.»

قومیت‌گرایی و استقلال

در ادامه بحث پیرامون اصل ۹ قانون اساسی جعفر سبحانی از پاسخ شهید بهشتی قانع نشده و پرسش درمورد تضاد آزادی و استقلال را به این شرح جزئی‌تر مطرح می‌کند: «جواب مرا ندادید، در یک منطقه‌ای ترویج قومیت خاص یا ترویج زبان قومیت خاص در شرایط خاص این آزادی مشروع است یا نه؟ به نظر می‌آید که ترویج از قومیت خاص کار را به خطر می‌اندازد.» شهید بهشتی در پاسخ در شرایط عادی این دو را تاثیا پیوسته با یکدیگر توصیف کرده اما استثنائاتی را نیز قائل می‌داند که در شرایط فوق‌العاده متجر به محدودیت آزادی‌ها می‌شود. شهید بهشتی در این‌باره توضیح می‌دهد: «این امر در جوامع و کشورها در حالت استثنایی، عمومی است. این غیراز این است که ما به‌سوی این جهت کشانده بشویم یا برویم دنبال این فکر که اصولا می‌شود در جامعه این قبیل آزادی‌ها که فرمودید ازبین برود، ما خواستیم با این اصل این حالت را نفی می‌کنیم؛ «امیدوارم تجربه نشان بدهد که اقلیت‌ها هیچ‌گونه تنگنایی حس نکنند، نه وضعیشان را باید مثل مسلمان‌ها بگیرند و نه قبله‌شان باید قبله مسلمین باشد و نه امور دیگر. وقتی گفته می‌شود مراسم دینی خودشان، به مراسم دینی خودشان عمل می‌کنند. این نگرانی‌ها بی‌مورد است و امیدواریم تمام زرتشتیان و مسیحیان و کلیمیانی که این کامل گذاشته شده است.»

آزادی تجمعات

در جریان بررسی اصل ۳۱ در پیش‌نویس قانون اساسی که مطابق آن تشکیل اجتماعات و راهپیمایی آزاد بود، عبدالرحیم ربانی‌شیرازی، عضو اسبق شورای نگهبان سوالی را به این شرح مطرح می‌کند: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها که آزاد است یعنی آزادی مطلق و هیچ گونه قیدی ندارد؟ چون گفتیم مقررات برای نظم در بیرون راه است، آیا برای تشکیل خود این اجتماعات در آن قیدی هست یا خیر؟» شهید بهشتی این سوال را این‌گونه پاسخ می‌دهد: «نظر، ما، نظر گروه و نظر خیلی از دوستان این است که اسلام عزیز ما امکان رشد و تجلی‌اش بسیار فراوان است، بنابراین دونظر وجود دارد این هم چون ضمن آراء بحث می‌کنیم، مشخص می‌کنیم، یک نظر همین که عرض شد و یک نظر به خاطر تحقق و مراقبت بیشتر در حفظ عقاید و پایه‌های فکری و اعتقادی و امنیت که باید محدودیت‌هایی وجود داشته باشد و ما نباید اینجا تردید قید بگذاریم، بلکه به‌طور کلی آن جاهایی که امنیت به خطر می‌افتد مسائل باید مجوزی داشته باشد.» این اصل شتاب‌زده را عنوان کرده و اظهار داشت: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

آزادی

ذات قانون همواره با محدودیت‌های فردی همراه است تا درنتیجه این محدودیت‌ها زندگی جمعی نظام‌مند شده و سیر تکوین خود را طی کند. آنچه در این اصل مورد مناقشه اندیشمندان سیاسی قرار دارد، حد و حدود این محدودیت‌ها و رابطه آن با آزادی است. چنین پرسشی درمورد هر قانونی صدق می‌کند. برای پاسخ به این پرسش درمورد قانون اساسی ایران یکی از مهم‌ترین منابع اندیشه تدوین کنندگان آن است. درمجموع پرسش و پاسخ‌هایی که در جلسات مجلس خبرگان قانونی اساسی طرح شده تا حد زیادی نیز به این پرسش پرداخته شده و شهید بهشتی، نایب‌رئیس این مجلس پاسخ‌های خوبی به آن داده است که در ادامه به بازخوانی برخی از این پاسخ‌ها خواهیم پرداخت.

تعریف آزادی

در اصل دوم قانون اساسی که به‌نوعی مانیفست حکومت جمهوری اسلامی نیز است بر کرامت و ارزش والای انسان و آزادی او تاکید شده و بر برابر خدا تصریح شده است به‌طور مشخص قانونگذار نیز تاکید کرده نظام جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به این مواد تشکیل شده است. در جریان بررسی این اصل در مجلس خبرگان قانون اساسی تعدادی از نمایندگان ازجمله حسینعلی رحمانی، نماینده مردم کردستان معتقد بودند تعریف این آزادی باید به قوانین و پرهیز از محرمات و پیروی از واجبات محدود شود. شهید بهشتی با تعریف شهید مدنی از کردستان می‌گوید: «راجع‌به فرد بعدی «آزادی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش»، مکتب‌ها به انسان‌ها دوگونه می‌نگرند، انسان مجبور در یک جبر و سرنوشت مادی اجتماعی، اقتصادی یا هر نوع جبر دیگر و انسان آزاد و حدود این آزادی‌ها هم در مکتب‌ها متفاوت است. ما البته اینجا نخواستیم حدودش را روشن کنیم این در شرع مقدس ما مشخص است که آزادی مطلق نیست، بلکه از نظر تکوینی آزادی است که درطول اراده خداوند قرار گرفته نه در عرض اراده خداوند ولی به‌هرحال منظور همان آزادی تکوین است، این پاسخی است به برادرمان آقای رحمانی و برخی دوستان دیگر که گفته‌اند این آزادی باید به‌محدود به قوانین و پرهیز از محرمات و پیروی از واجبات باشد نه، منظور همان آزادی در سرنوشت انسان و نقش او در خودسازی انسان است.»

رابطه آزادی و نظم

در جریان جلسه یازدهم بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی محمدجواد حجتی کرمانی نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان آزادی دادن به افراد حین جلسه را سند افتخار اعضای مجلس دانسته و با ذکر مثالی از فضای مجلس می‌گوید: «گاهی حضرات آیت‌الله منتظری مجلس را از حدودی که باید اداره بشود، خارج می‌کنند یا برادرمان آقای تهرانی وقتی که به ایشان اجازه ندادند صحبت می‌کنند، درحال راه‌رفتن و خروج از جلسه صحبت‌شان را قرار می‌دهند.» کرمانی این رفتارها را نمودی از اصالت و نامانوس انتخاب بکنی و مجدد! روی شکل و فرم آن هم بخواهی به ملت‌مان بگویید که نظم مقدس، منافاتی با آزادی معقول و مشروع ندارد. شنوندگان و بینندگان مبادا از سخن ایشان چنین استنباط کنند که خدای نکرده ما طرفدار نظم نیستیم.»

رابطه آزادی و مکتب

در جریان تصویب مواد ۶، ۷ و ۸ قانون اساسی حمیدالله میرمرادزهی، نماینده مردم سیستان ابتدا اصل ۶ که در ابتدای آن آمده است در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود و اصل هفت که در آن به ارکان تصمیم‌گیری کشور پرداخته شده است را با اصل پنج قانون اساسی یا همان اصل ولایت‌فقیه غیرقابل تفکیک دانسته و سپس با طرح ایراد به اصل پنج به نامه‌ای از امیرالمومنین خطاب به معاویه استناد کرده و می‌گوید: «عقیده ندارم که حاکمیت الهی باشد و به‌فرد به‌خصوصی تفویض شده باشد. به نظر من حاکمیت را خدا به مردم داده است.» شهید بهشتی در پاسخ به نماینده سیستان‌وبلوچستان در مجلس خبرگان قانون اساسی می‌گوید: «گاهی دعواهای مکتبی اساسا از هل مکتب را انتخاب می‌کنند. سنت‌ها می‌گویند بعد از اینکه مکتب را انتخاب کردی به‌دنبال مکتب انتخابی خودت بسیاری با دیسیپلین غربی توصیف می‌کنند.» شهید بهشتی به این اظهارات واکنش نشان داده و خطاب به حجتی کرمانی می‌گوید: «ولی برادر عزیز؛ ما می‌خواهیم به ملت‌مان بگوییم که نظم مقدس، منافاتی با آزادی معقول و مشروع ندارد. شنوندگان و بینندگان مبادا از سخن ایشان چنین استنباط کنند که خدای نکرده ما طرفدار نظم نیستیم.»

رابطه آزادی و مکتب

در جریان تصویب مواد ۶، ۷ و ۸ قانون اساسی حمیدالله میرمرادزهی، نماینده مردم سیستان ابتدا اصل ۶ که در ابتدای آن آمده است در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود و اصل هفت که در آن به ارکان تصمیم‌گیری کشور پرداخته شده است را با اصل پنج قانون اساسی یا همان اصل ولایت‌فقیه غیرقابل تفکیک دانسته و سپس با طرح ایراد به اصل پنج به نامه‌ای از امیرالمومنین خطاب به معاویه استناد کرده و می‌گوید: «عقیده ندارم که حاکمیت الهی باشد و به‌فرد به‌خصوصی تفویض شده باشد. به نظر من حاکمیت را خدا به مردم داده است.» شهید بهشتی در پاسخ به نماینده سیستان‌وبلوچستان در مجلس خبرگان قانون اساسی می‌گوید: «گاهی دعواهای مکتبی اساسا از هل مکتب را انتخاب می‌کنند. سنت‌ها می‌گویند بعد از اینکه مکتب را انتخاب کردی به‌دنبال مکتب انتخابی خودت بسیاری

ادامه در صفحه ۷

جمهوریت

«بهترین نوع رهبری در یک جامعه این است که فرد یا گروه یعنی آنهایی که در رأس مخروط جامعه قرار دارند، بازگوننده شعار و آرمان خود مردم باشند، یعنی همان چیزی که امام خمینی در این انقلاب مکرر روی‌اش تکیه کردند و همان چیزی که رمز پیروزی انقلاب است، یعنی رهبر نمی‌آید وقتی رهبر را نشان بدهد که به ذهن مردم نرسیده باشد و مردم به کلی از آن بیگانه‌اند. این طور نیست، رهبر می‌آید متبلور و مشخص می‌کند همین خواست و خواهی پراکنده‌شده در توده را و این بهترین نوع و ساده‌ترین و نیرومندترین پیوند رهبر و مردم است، و چه وقت این طور می‌شود، وقتی افراد جامعه از نظر گرفتاری‌های اقتصادی فرصتی برای به خود اندیشیدن و به خود آمدن و به اوضاع اندیشیدن و چاره‌اندیشی و راهیابی کردن داشته باشند، زیرا تا تک‌تک مردم به‌صورت راهیاب و چاره‌جو برنیایند و واقعا فکرها و اندیشه‌ها و احساس‌شان به‌صورت یک سیل خروشانی که می‌خواهد راه باز کند، درنیاید، اصلا رهبری واقعی سازنده و کارساز به وجود نمی‌آید و هر وقت چنین پیوندی بین رهبر و مردم به وجود آمد، آن موقع است که حرکت‌ها به‌آسانی و خوبی و به‌طور خالص به ثمر می‌رسد. من این طور فکر می‌کنم که این اصل در صدت در جهت امامت اسلامی اصل تهیه شده است.»

نقش مردم در اقتصاد

مساله قانون کار از ابتدای انقلاب با مناقش